

## «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مقدمه

بعد از امور مقدماتی که مرحوم آخوند متعرض شدند و ما به تفصیل در مورد آنها بحث کردیم، نوبت به مقصد اول از مقاصد علم اصول می رسد.

بحث هایی که تا به حال مطرح شد، به نوعی داخل علم اصول نبودند البته اینکه عرض می کنیم، طبق تعریف مشهور از علم اصول است مثلاً بحث استعمال لفظ در اکثر از معنا یا بحث حقیقت و مجاز یا بحث مشتق، طبق تعریف مشهور از مسائل علم اصول محسوب نمی شوند، به همین جهت مرحوم آخوند این موارد را جزء مقدمات علم اصول قرار داد چون ملاک مشهور برای اصولی بودن مسئله این است که در کبری استنباط واقع شود یعنی اگر بحث صغروی داشته باشیم مثلاً بحث کنیم در اینکه موضوع له مشتق چیست، این خارج از علم اصول است یا اگر بحث کنیم که ماده امر ظهور در چه چیزی دارد، بحث صغروی است و خارج از علم اصول است. در واقع هرچه که صغرای مسئله اصولی را تبیین کند از علم اصول خارج است. مسئله اصولی در نظر مشهور مسئله ای است که بتواند کبرای استنباط قرار بگیرد مانند حجیت ظواهر وقتی گفته می شود ماده امر ظاهر در وجوب است و بعد می گوئیم کل ظاهر حجة، مشخص می شود که این ظهور برای ما حجیت دارد پس اگر سخن از ظهور ماده امر یا صیغه امر در وجوب به میان می آید، طبق نظر مشهور از مسائل علم اصول نیست چون در واقع این موارد تعیین صغریات مسائل اصول است.

پس بنا بر مبنای مشهور نه تنها مباحث گذشته خارج از علم اصول هستند و جزء مقدمات علم اصول قرار می گیرند بلکه بعضی از مطالب و مسائلی که در این مقصد و سایر مقاصد مورد بررسی قرار می گیرد، هم در واقع مسئله اصولی نیستند. مقدماتی که مطرح شد حدود ۱۳ امر بود، ملاحظه شد که برخی از مباحث ثمره عملی داشتند به طور مثال بحث صحیح و اعم یا بحث مشتق، ثمره عملی داشتند ولی بسیاری از مباحث مقدمات ثمره عملی نداشتند، با اینکه بزرگان اذعان کرده اند که این مباحث ثمره عملی ندارد اما به تفصیل درباره آن بحث شده مثلاً در مورد حقیقت وضع، مبانی و مسالک مختلفی که در باب وضع وجود دارد یا کیفیت وضع حروف یا هیئات مفصل بحث شد در حالی که ثمره عملی ندارند. از مباحث گذشته چند بحث است که ثمره عملی داشته و در فقه نتیجه دارد.

مباحثی که در مقصد اول مطرح می شود پیرامون چند مطلب است. یک مطلب پیرامون معنای ماده و هیئت امر است و اینکه آیا بر وجوب دلالت می کند یا خیر؟ بحث مهم دیگر اقسام مختلف واجب است مثل واجب تعبدی و توصیلی، واجب اصلی و تبعی واجب نفسی و واجب شرطی و غیره، به هر حال اقسامات متعددی برای واجب وجود دارد مثل واجب مطلق و واجب مشروط، اینها بحث های مهمی است که بخشی از مباحث مقصد اول پیرامون این اقسامات است. بعد از آن بحث اجزاء مطرح می شود و اینکه آیا اتیان به امر ظاهری یا اضطراری، مجزی از امر واقعی هست یا خیر؟ پس از آن بحث اقتضاء امر به شیء نسبت به حرمت ضد و مباحث مهم ترتب و اجتماع امر و نهی مطرح می شود.

### معنای ماده امر

بحث اول در مورد ماده امر است یعنی "ا، م، ر" یعنی خود ماده امر. می خواهیم ببینیم مدلول این ماده چیست. علت اینکه از مدلول ماده امر بحث می شود این است که این ماده در قرآن و روایات زیاد استعمال شده مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»<sup>۱</sup>؛ که کلمه یَأْمُرُ از مشتقات ماده امر است یا مثلاً از پیامبر گرامی اسلام ﷺ وارد شده که «إِذَا أَمَرْتُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ این قبیل استعمالات هم در لسان ائمه علیهم السلام و هم در کتاب خدا بسیارند لذا دانستن ماده امر از این جهت مهم است لکن ما در این مبحث از دو جهت بحث می کنیم یکی مدلول اصطلاحی امر است و دیگری مدلول لغوی و عرفی امر. آنچه ثمره عملی داشته و در فقه نیز اثر دارد مدلول لغوی و عرفی است یعنی اینکه امر تکم در ادا امر تکم بشیء به چه معنا وارد شده.

در مورد مدلول ماده امر به طور کلی اگر بخواهیم همه اقوال را دسته بندی کنیم، می توانیم آنها را در دو قول بگنجانیم: یک قول، قول به وحدت معنای ماده امر است و قول دیگر قول به تعدد معنای ماده امر است یعنی جمعی قائلند ماده امر یک معنا دارد و جمع زیادی هم به تعدد معنای آن قائلند یعنی می گویند بیشتر از یک معنا دارد البته خود گروهی هم که قائلند یک معنا دارد در اینکه آن معنا چیست باهم اختلاف دارند. از طرفی کسانی هم که قائل به تعدد معانی مختلفی را نقل کرده اند حتی برخی تا ۲۰ معنا برای ماده امر ذکر کرده اند اگر خاطرتان باشد محقق خراسانی در کفایه ۷ معنا برای ماده امر ذکر کرده که ما نیز اشاره اجمالی به آنها خواهیم کرد.

محقق نائینی و محقق اصفهانی معتقدند ماده امر فقط یک معنا دارد و آن معنا جامع بین تمام معنی است که دیگران بیان کرده اند. به عبارت دیگر طبق این دیدگاه، ماده امر مشترک معنوی است لکن محقق نائینی یک معنا را ذکر کرده و محقق اصفهانی معنای دیگری را بیان کرده است.

مرحوم آقای نائینی می فرماید: مفهوم و مدلول کلمه امر عبارت است از واقعه مهم یا حادثه ای که دارای اهمیت است، و این قدر جامع بین تمام معانی است. محقق اصفهانی نیز می گوید مدلول کلمه امر عبارت از اراده و طلب فعلی شده است یعنی اراده و طلبی که به سرحد فعلیت رسیده، طبق این بیان هم ماده امر مشترک معنوی است.

۱. نحل، ۹۰.

در مقابل اینها، عده زیادی معانی متعددی را ذکر کرده اند و ما اجمالاً اقوال ارکان علم اصول را در این رابطه بررسی خواهیم کرد.

صرف نظر از این نکته که معنای امر متعدد است یا واحد یا به عبارت دیگر با قطع نظر از اینکه ماده امر مشترک معنوی است یا مشترک لفظی، مرحوم آخوند چند معنا را بیان کرده هر چند همه آنها را به دو معنا بر می گرداند. ما ابتدا این معانی را ذکر کرده و سپس اقوال را بررسی می کنیم.

### معانی هفت گانه امر

۱. یک معنا، طلب است. وقتی گفته می شود امره بکذا؛ یعنی طلب منه کذا، از او فلان شیء را طلب کرد یا امره باعطاء صدقه یا اعطاء درهم یعنی طلب کرد از او اعطاء صدقه یا اعطاء درهم را، البته اینکه این طلب وجوبی است یا استحبابی یا قدر جامع بین وجوب و استحباب مطلبی است که در جای خودش مطرح می شود. این معنا چون معنای عام تر و شایع تری است، تقریباً همه آن را ذکر کرده اند مخصوصاً کسانی که ماده امر را مشترک لفظی می دانند.

این معنا، یک معنای اشتقاقی است یعنی از مبدء یا ماده "ا، م، ر"، مشتقات زیادی اخذ می شود. امر، مامور، یامر، امر و همه صیغه های اشتقاقی از این ماده قابل اخذ است، همانطوری که خود ماده طلب هم اینگونه است طالب، مطلوب، طلبه یا یطلب و... این معنای ماده امر یک معنای حدی و اشتقاقی است اما بقیه اینگونه نیستند. تنها معنای ماده امر که معنای حدی دارد و قابلیت اشتقاق صیغه های متعدد از آن وجود دارد، معنای طلب است.

۲. معنای دوم، شیء است یعنی امر به معنای شیء. شیء معنای بسیار عامی دارد! در حقیقت مانند عرض عام برای تمام اشیاء عالم است مثلاً وقتی چیزی ترسناک را می بینیم، می گوئیم رایت امرأ مخوفاً یعنی یک امر ترسناک دیدم. لذا کلمه امر در معنای شیء استعمال می شود.

۳. معنای سوم شأن است. شأن در واقع یعنی یک حالت و کیفیت مخصوص است. وقتی می گوید: اِشْتَغَلْتُ بامر کذا یعنی من به فلان امر مشغول بودم، یعنی مثلاً گرفتار فلان شأن یا فلان حال یا فلان موقعیت بودم.

۴. گاهی ماده امر به معنای فعل بکار می رود و منظور از فعل نیز فعل در مقابل فاعل و مفعول نیست بلکه فعل یعنی کار و عمل. آیه «وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ»<sup>۲</sup> در واقع به این معناست که کار فرعون، کار عاقلانه ای نیست.

۵. معنای دیگر ماده امر، حادثه است. یعنی وقتی گفته می شود فلان امر در فلان تاریخ اتفاق افتاد، یعنی فلان حادثه، پس امر در اینجا به معنای حادثه است.

۶. معنای دیگر ماده امر، غرض است. گاهی تعبیر می شود جئتک لامر کذا؛ یعنی جئتک لغرض کذا یعنی برای فلان غرض نزد تو آمده ام.

۲. هود، ۹۷.

۷. معنای آخر ماده امر، فعل عجیب است. یعنی چیز یا خصوصیت عجیبی در فعل وجود دارد که باعث می شود کلمه امر بکار برده شود. به طور مثال آیه فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا<sup>۳</sup>؛ امر در اینجا به معنای فعل و کار عجیب است که عبارت از جعل العالی السافل است یعنی چیزی که بالا است را پایین قرار بده و بالعکس.

اشکالات و مناقشاتی هم در این معانی وجود دارد. مثلاً در معنای هفتم محقق بروجردی اشکال کرده اند که معنای امر، فعل عجیب نیست بلکه آنچه به معنای فعل عجیب است، امر است در جریان داستان حضرت موسی که آن شخص اقدام به سوراخ کردن کشتی کرد، حضرت موسی به او فرمود: أَخْرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا؛ که لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا در واقع به معنای لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا عجیباً است. ایشان در آیه فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا می فرماید: امر در اینجا به معنای طلب است و به معنای شیء عجیب نیست یعنی در واقع اشاره به محقق شدن طلب و دستور خداست یعنی وقتی طلب ما آمد، بلافاصله محقق شد و آنجا کن فیکون شد لذا بر همین اساس معنای فعل عجیب را در مورد ماده امر نمی پذیرد و می فرماید: بعید نیست که در آیه ای که در معنای چهارم بیان شد یعنی وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ نِيز امر به معنای طلب باشد نه فعل، یعنی فرمان فرعون دستور عاقلانه ای نبوده است. البته باید تفصیلاً این مطلب را مورد بررسی قرار دهیم.

اصل مطلب این است که به هر حال بعضی قائلند که ماده امر یک معنا دارد و برخی نیز قائلند که چند معنا دارد و این چند معنا نیز عمدتاً بین همین معانی جریان دارد که اجمالی از این معانی بیان شد.

«الحمد لله رب العالمين»

<sup>۳</sup>. هود، ۸۲.

<sup>۴</sup>. کهف، ۷۱.